

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار چاب بیست و چهارم
۳	پیشگفتار
۵	مقدمه
۶	بخش اول: ورشکستگی در حقوق تطبیقی
۷	مبحث اول: کشورهای اروپای قاره‌ای
۱۰	مبحث دوم: کشورهای آنگلو ساکسون
۱۲	بخش دوم: ورشکستگی از نظر حقوق بین الملل
۱۳	مبحث اول: ورشکستگی از نظر تعارض قوانین و دادگاهها
۱۵	مبحث دوم: ورشکستگی از نظر حقوق معاهداتی
۱۸	بخش سوم: ورشکستگی در حقوق ایران
۱۸	مبحث اول: ورشکستگی قبل از تصویب قانون تجارت
۱۸	مبحث دوم: ورشکستگی بعد از تصویب قانون تجارت
	<b>باب اول: ورشکستگی</b>
	<b>دفتر اول: تحقق و احراز ورشکستگی</b>
۲۵	فصل اول: تحقق ورشکستگی
۲۵	بخش اول: اشخاص مشمول ورشکستگی
۲۶	مبحث اول: تاجر حقیقی
۳۳	مبحث دوم: اشخاص حقوقی
۴۱	بخش دوم: توقف از پرداخت دیون
۴۱	مبحث اول: مفهوم توقف
۴۷	مبحث دوم: ماهیت حقوقی دیون

۴۹	فصل دوم: احراز ورشکستگی
۴۹	بخش اول: دادگاه صلاحیت‌دار
۵۰	مبحث اول: صلاحیت ذاتی
۵۱	مبحث دوم: صلاحیت محلی
۵۵	بخش دوم: اشخاصی که می‌توانند تقاضای ورشکستگی مدیون را تقدیم کنند
۵۶	مبحث اول: اعلام توقف به وسیله مدیون متوقف
۵۹	مبحث دوم: اعلام توقف به وسیله طلبکاران
۶۱	مبحث سوم: اعلام توقف به وسیله دادستان
۶۲	بخش سوم: شرایط صدور حکم ورشکستگی
۶۲	مبحث اول: حکم دادگاه
۶۷	مبحث دوم: آگهی حکم دادگاه
۶۸	مبحث سوم: اجرای توقف حکم ورشکستگی و طرق شکایت از آن
۷۳	فصل سوم: آثار ورشکستگی
۷۳	بخش اول: آثار ورشکستگی نسبت به اموال ورشکسته (منع مداخله)
۷۴	مبحث اول: ماهیت حقوقی منع مداخله
۷۴	مبحث دوم: وسعت و حدود منع مداخله
۷۶	مبحث سوم: آثار منع مداخله
۷۸	مبحث چهارم: ضمانت اجرای منع مداخله
۷۹	بخش دوم: اثر ورشکستگی در روابط ورشکسته با اشخاص ثالث
۷۹	مبحث اول: تعلیق دعای فردی طلبکاران علیه ورشکسته و برعکس
۸۲	مبحث دوم: حال شدن دیون و منع پرداخت خسارت تأخیر تأدیه
۸۹	مبحث سوم: بطلان معاملات ورشکسته
	دFTER دوم: مسئولیتها و مجازاتهای ناشی از ورشکستگی
۱۰۶	فصل اول: مسئولیتها و مجازاتهای شخص ورشکسته
۱۰۶	بخش اول: مسئولیتها و مجازاتها در ورشکستگی به تقصیر یا تقلب
۱۰۶	مبحث اول: مجازات جزایی ناشی از ورشکستگی به تقصیر و تقلب
۱۱۹	مبحث دوم: محرومیت‌های اجتماعی ناشی از ورشکستگی به تقصیر و تقلب

۱۲۱	بخش دوم: مسئولیتها و مجازاتها در ورشکستگی عادی
۱۲۳	بخش سوم: مسئولیتها و مجازاتها در ورشکستگی اشخاص حقوقی
۱۲۷	فصل دوم: مسئولیتها و مجازاتهای اشخاص ثالث
۱۲۷	بخش اول: مسئولیت شرکا
۱۲۸	بخش دوم: مسئولیت مدیر تصفیه
۱۲۹	بخش سوم: مسئولیت اشخاص دیگر
۱۲۹	مبحث اول: مسئولیت مدیران شرکت
۱۳۳	مبحث دوم: مسئولیت سایر اشخاص
	باب دوم: تصفیه امور ورشکسته
	دفتر اول: ارگانهای تصفیه
۱۳۹	فصل اول: ارگانهای تصفیه به موجب قانون تجارت
۱۳۹	بخش اول: نقش دادگاه
۱۳۹	مبحث اول: صلاحیت
۱۴۰	مبحث دوم: اعتراض به تصمیمات دادگاه
۱۴۱	بخش دوم: دادستان
۱۴۲	بخش سوم: مدیر تصفیه
۱۴۲	مبحث اول: انتصاب
۱۴۳	مبحث دوم: صلاحیت
۱۴۴	بخش چهارم: عضو ناظر
۱۴۵	مبحث اول: انتصاب
۱۴۵	مبحث دوم: صلاحیت
۱۴۹	فصل دوم: ارگانهای تصفیه به موجب قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی
۱۴۹	بخش اول: ساختار تشکیلاتی اداره تصفیه
۱۴۹	مبحث اول: کارمندان تصفیه
۱۵۱	مبحث دوم: ابزارهای تصفیه
۱۵۳	بخش دوم: ساختار مالی اداره تصفیه

۱۵۳	مبحث اول: وصول درآمدهای صندوقهای «الف» و «ب»
۱۵۶	مبحث دوم: طرز مصرف درآمدهای صندوقهای «الف» و «ب»
	دفتر دوم: اقدامات مربوط به تصفیه
۱۵۹	فصل اول: اقدامات اولیه تصفیه
۱۵۹	بخش اول: مهروموم و صورت برداری از اموال
۱۶۰	مبحث اول: مهروموم اموال
۱۶۲	مبحث دوم: صورت برداری از اموال
۱۶۳	بخش دوم: اقدامات تأمینی
۱۶۳	مبحث اول: اقدامات برای حفظ حقوق ورشکسته
۱۶۴	مبحث دوم: اقدامات برای حفظ حقوق طلبکاران
۱۶۶	بخش سوم: ادامه کار ورشکسته
۱۶۶	مبحث اول: ادامه کار ورشکسته به موجب قانون اداره تصفیه
۱۶۷	مبحث دوم: ادامه کار ورشکسته به موجب قانون تجارت
۱۶۸	بخش چهارم: وضع قراردادهای جلای
	فصل دوم: تعیین دارایی مدیون ورشکسته
۱۷۱	بخش اول: دعوت از اشخاص ذی نفع
۱۷۱	مبحث اول: دعوت از طلبکاران ورشکسته
۱۷۴	مبحث دوم: دعوت از بدهکاران ورشکسته
۱۷۴	مبحث سوم: دعوت از سایر اشخاص
۱۷۵	بخش دوم: رسیدگی به مطالبات
۱۷۵	مبحث اول: اعلام مطالبات
۱۸۰	مبحث دوم: تشخیص و قبول مطالبات
۱۸۵	بخش سوم: وصول مطالبات ورشکسته
	فصل سوم: قرارداد ارفاقی
۱۸۷	بخش اول: دعوت از طلبکاران
۱۸۸	بخش دوم: شرایط انعقاد قرارداد ارفاقی

۱۹۵	بخش سوم: آثار قرارداد ارفاقی
۱۹۵	مبحث اول: اثر قرارداد ارفاقی نسبت به طلبکاران
۱۹۶	مبحث دوم: اثر قرارداد ارفاقی نسبت به ورشکسته
۱۹۷	مبحث سوم: اثر قرارداد ارفاقی نسبت به اشخاص ثالث
۱۹۸	بخش چهارم: محو قرارداد ارفاقی
۱۹۸	مبحث اول: ابطال قرارداد ارفاقی
۱۹۹	مبحث دوم: فسخ قرارداد ارفاقی
۲۰۰	مبحث سوم: آثار محو قرارداد ارفاقی
۲۰۵	بخش پنجم: ورشکستگی مجدد مدیون پس از قرارداد ارفاقی
۲۰۶	فصل چهارم: فروش اموال ورشکسته
۲۰۶	بخش اول: دسته‌بندی اموال
۲۰۶	مبحث اول: اموالی که فروش آنها جنبه فوری دارد
۲۰۷	مبحث دوم: سایر اموال
۲۰۸	بخش دوم: شرایط فروش اموال ورشکسته
۲۰۸	مبحث اول: طریق فروش
۲۱۰	مبحث دوم: شرایط فروش
۲۱۱	بخش سوم: نحوه نگهداری حاصل فروش
۲۱۲	فصل پنجم: تقسیم دارایی ورشکسته
۲۱۲	بخش اول: دعوی استرداد
۲۱۳	مبحث اول: حقوق عام استرداد اموال
۲۱۵	مبحث دوم: حقوق بایع در استرداد مبیع
۲۲۳	مبحث سوم: طریق طرح دعوی استرداد
۲۲۴	بخش دوم: تقسیم دارایی ورشکسته میان طلبکاران
۲۲۴	مبحث اول: طبقه‌بندی طلبکاران
۲۳۵	مبحث دوم: نحوه تقسیم دارایی ورشکسته میان طلبکاران
۲۴۵	فصل ششم: خاتمه ورشکستگی
۲۴۵	بخش اول: موارد ختم ورشکستگی

۲۴۵	مبحث اول: ختم ورشکستگی با انعقاد قرارداد ارفاقی
۲۴۶	مبحث دوم: انتفای بدهکاری ورشکسته
۲۴۷	مبحث سوم: عدم کفایت دارایی ورشکسته
۲۴۹	بخش دوم: قواعد مشترک راجع به موارد ختم ورشکستگی
	دفتر سوم: اعاده اعتبار ورشکسته
۲۵۳	فصل اول: موارد اعاده اعتبار ورشکسته
۲۵۳	بخش اول: اعاده اعتبار پس از پرداخت کلیه دیون
۲۵۵	بخش دوم: اعاده اعتبار ورشکسته‌ای که کلیه دیون خود را نپرداخته است
۲۵۷	فصل دوم: تشریفات تجدیل اعاده اعتبار
۲۵۷	بخش اول: طرح و بررسی تقاضا در نزد دادستان
۲۵۸	بخش دوم: طرح و بررسی تقاضا در دادگاه
۲۵۹	بخش سوم: اعاده اعتبار ورشکسته با تقلب
۲۶۲	منابع و مأخذ

## مقدمه

روزگاری عدم استطاعت مدیون به پرداخت دیونش هم از نظر عامه و هم از نظر قدرت حاکم گناهی بزرگ به شمار می‌رفت و به همین دلیل با چنین مدیون نگون‌بختی به شدیدترین وجه مقابله می‌شد، به‌ویژه تاجری که در پرداخت دیونش وقفه ایجاد می‌گردید. در گذشته میان تاجری که به دلیل بداقبالی متوقف می‌شد و تاجری که تغلبش موجب وقفه در پرداختهایش بود، تفاوتی قائل نبودند. تفاوت‌هایی که مقررات مربوط به ورشکستگی میان ورشکستگان به تقصیر و ثقلب و ورشکستگان عادی برقرار کرده است نیز در ابتدا وجود نداشت و هر ورشکسته‌ای مجرم و جنایتکار تلقی می‌شد. از آنجا که مقررات اعسار برای جوابگویی به وضعیت تجاری که در پرداخت دیونشان وقفه ایجاد می‌گردید کافی نبود و به لحاظ امکان تعقیب انفرادی بدهکار به وسیله طلبکاران، موجب تشتت و مانع رعایت اصل تساوی میان طلبکاران می‌شد، حقوق‌دانان از مقررات حقوق روم استفاده کردند و روش عدم تعقیب انفرادی طلبکاران<sup>۱</sup> و نیز روش فراموش کلی اموال<sup>۲</sup> در مورد تاجر را ابداع نمودند. روش اخیر خاص تاجری بود که دارایی‌هایش را به باد داده و به تعهداتش عمل نکرده بود. قواعد ورشکستگی تاجر را می‌توان در قوانین<sup>۳</sup> شهرهای ایتالیا و به‌خصوص شهر «ژن»<sup>۴</sup> مورخ ۱۴۹۸ م - که در سال ۱۵۸۸ اصلاح شد - و نیز در قوانین شهرهای فلورانس، میلان و ونیز مشاهده کرد. از همین زمان بود که قرارداد ارفاقی و بطلان معاملات تاجر بعد از توقف، که از خصوصیات بارز

---

1. missio in possessionem  
2. venditio bonorum  
3. statuts  
4. Gènes

ورشکستگی در سراسر جهان هستند، پا به عرصه وجود گذاشتند.<sup>۱</sup> اساساً وضع مقررات ورشکستگی به دلیل رعایت نفع طلبکاران بوده است؛ زیرا اولاً، با صدور حکم ورشکستگی تاجر نمی‌تواند در دارایی خود دخالت کند و آن را به ضرر طلبکاران به اشخاص ثالث منتقل نماید؛ ثانیاً، طلبکاران در شرایط مساوی قرار می‌گیرند؛ یعنی یکی از آنها نمی‌تواند قبل از دیگران به تاجر مراجعه کرده، برای مثال با صدور اجرائیه یا اقامه دعوی، کل طلب خود را دریافت کند، بلکه باید داخل در غرما شود.

این دو خصیصه ورشکستگی امروزه در تمامی کشورهای جهان وجود دارد، چه آنهایی که قوانین خود را از حقوق لاتین اقتباس کرده‌اند، چه آنهایی که از حقوق آنگلوساکسون معادلک، سیستمهای حقوقی مختلف در جزئیات با یکدیگر متفاوت‌اند؛ به همین دلیل در اینجا و آنجا، کوشش می‌کنند تا رژیمهای حقوقی داخلی راجع به ورشکستگی را به یکدیگر نزدیک کنند. پیش از مطالعه ورشکستگی در حقوق ایران لازم است درباره ورشکستگی در رژیم حقوق تطبیقی و سپس رژیم حقوق بین‌الملل توضیح دهیم.

### بخش اول: ورشکستگی در حقوق تطبیقی

ورشکستگی در حقوق تجارت بدون شک از مباحثی است که مطالعه تطبیقی آن کمتر مفید می‌نماید؛ چرا که در اغلب کشورها، جنبه کاملاً ملی دارد و از تاریخ و نحوه سازماندهی قضایی و رژیم حقوقی حاکم بر اموال آنها نشئت گرفته است. بنابراین، با آنکه فلسفه اولیه وجود ورشکستگی در همه کشورها پذیرفته شده است و جنبه جهانی دارد، مقررات قانونی حاکم بر آن در هر کشور نسبت به کشور دیگر متفاوت است. این نکته را می‌توان از مطالعه حقوق کشورهای اروپایی و آمریکایی استنباط نمود.<sup>۲</sup>

1. Ripert, G. et R. Roblot, *Traité de droit commercial*, t. 2, n° 2792.

2. Rodière, R. et B. Oppetit, *Droit commercial*, n° 261 et s. et *Traité de droit commercial*, t. 2, n° 2820.

## مبحث اول: کشورهای اروپای قاره‌ای

اغلب کشورهای اروپای قاره‌ای، قانون ورشکستگی ویژه‌ای دارند که با توجه به تحولات اقتصادی و اجتماعی و متناسب با این تحولات از ابتدا تاکنون بارها تغییر یافته و اصلاح شده است.

بعضی از این کشورها، پس از دوره‌ای طولانی تأثیرپذیری از حقوق خارجی در این زمینه، به سنن ملی بازگشتند؛ برای مثال، کشور ایتالیا مقررات قانونی راجع به ورشکستگی را با توجه به ملاحظات ملی در سال ۱۸۸۲ ضمن قانون تجارت خود تدوین و تصویب کرد. این قانون بعداً جای خود را به قانون ۱۹۴۲ داد که به قانون آیین دادرسی مدنی این کشور ضمیمه شده است و ۲۶۶ ماده دارد. مباحث مندرج در قانون اخیر عمدتاً عبارت‌اند از: وقفه در پرداخت، قرارداد ارفاقی پیشگیرانه، اداره امور ورشکسته و نظارت بر آن، و تصفیه اداری اجباری. علاوه بر این، قانون ۱۹۷۹ اداره فوق‌العاده امور ورشکسته را پیش‌بینی کرده است که به مؤسسات بزرگ اختصاص دارد و با نظارت وزارت صنایع این کشور اجرا می‌شود. از میان این کشورها به هلند نیز می‌توان اشاره کرد که در آن ابتدا قانون ۳۰ سپتامبر ۱۸۹۳ تصویب شد. این قانون در ۷ فوریه ۱۹۳۵ اصلاح گردید. سپس از آن تاریخ به بعد برحسب نیازهای خاص جامعه این کشور، چندین بار تغییر پیدا کرد.

بعضی از این کشورها مقررات ورشکستگی خود را تحت تأثیر حقوق خارجی تدوین کردند؛ از جمله کشور بلژیک که حقوق خود را از حقوق فرانسه گرفت و بعداً به کلی از آن جدا شد. در واقع، قانون ۱۸ آوریل ۱۸۵۱ این کشور جانشین قانون تجارت ۱۸۰۷ گردیده است که در آن علاوه بر ورشکستگی که به تصفیه اموال تاجر منتهی می‌شد، قرارداد ارفاقی پیشگیرانه نیز پیش‌بینی شده بود (اصلاحی ۲۹ ژوئن ۱۸۸۷). بعداً قرارداد ارفاقی پیشگیرانه جای خود را به قرارداد ارفاقی قضایی داد (قانون ۲۵ سپتامبر ۱۹۴۶). کمیسیون کشورهای «بنلوکس»<sup>۱</sup> به منظور ایجاد وحدت در حقوق کشورهای عضو این بازار مشترک در سال ۱۹۷۹